

پیشگفتار

حقوق ارتباط جمعی یکی از دروس اختصاصی گرایش علوم ارتباطات است که در برخی از دانشگاههای کشور تدریس می‌شود. شورای عالی برنامه‌ریزی، هدف از این درس را «آشنا ساختن دانشجویان با مبانی حقوقی عملکردها و کاربردهای وسایل ارتباط جمعی، قواعد و مقررات ناظر بر تأسیس و اداره وسایل ارتباط جمعی، قواعد و مقررات ناظر بر محتوای پیامهای ارتباطی» دانسته است. بر این اساس، حقوق ارتباط جمعی را می‌توان رشته‌ای از رشته‌های میان‌رشته‌ای دانست که اصول، قواعد و مقررات داخلی و بین‌المللی حاکم بر آزادیها، حقوق و مسئولیتهای وسایل ارتباط جمعی را مطالعه کرده و دانشجویان را با مباحث و مسائل حقوقی مختلف حاکم بر تأسیس و فعالیت رسانه‌های همگانی آگاه می‌سازد.

متأسفانه در دانشکده‌های حقوق ما بهای لازم به مباحث حقوق ارتباط جمعی داده نشده است. امروزه، مباحث حقوق ارتباط جمعی آن‌چنان گسترده و تخصصی شده است که در برخی از کشورها، دانشکده‌های حقوق برای ارائه این مباحث، دوره کارشناسی ارشد دایر کرده‌اند. ولی در دانشکده‌های حقوق ما، تنها برخی از اصول و قواعد مرتبط با حقوق و آزادیهای رسانه‌ای در خلال مباحث حقوق اساسی ارائه می‌شود و در مباحث کیفری نیز به صورت گذری به برخی از مسائل جرایم مطبوعاتی پرداخته می‌شود. در مجموع، فارغ‌التحصیلان حقوقی ما اطلاع زیادی از مباحث و مسائل خاص حقوق ارتباط جمعی ندارند. بر همین منوال، دادرسان و وکلای دادگستری نیز که از میان دانش‌آموختگان حقوق برگزیده می‌شوند با حقوق ارتباط جمعی آشنایی چندانی ندارند و از مفاهیم و روشها و تحلیلهای سنتی برای رسیدگی به دعاوی و پاسخ به مسائل حقوقی ناشی از این وسایل استفاده می‌کنند.

تجربه چند ترم تدریس حقوق ارتباط جمعی در دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی که به تشویق استاد ارجمند آقای دکتر معتمدنژاد انجام شد به بنده نشان داد که دانشجویان علوم ارتباطات به مباحث حقوق ارتباطات جمعی بسیار علاقه‌مند هستند ولی از کمبود منابع در این زمینه گله دارند. البته، جزوه‌ها، کتابها و مقاله‌هایی در این زمینه تألیف شده‌اند که در جای خود قابل استفاده هستند و دانشجویان نیز معمولاً به آنها ارجاع داده می‌شوند اما نمی‌توانند نیازهای دانشجویان حقوق ارتباط جمعی را برآورده سازند. زیرا، برخی از آنها تنها به یکی از وسایل ارتباط جمعی همانند مطبوعات و ماهواره اختصاص یافته‌اند و برخی دیگر نیز به صبغه حقوقی مباحث در مقایسه با صبغه ارتباطی آنها اهمیت زیادی نداده‌اند.

انجام پژوهش در خصوص برخی از مسائل مرتبط با حقوق ارتباط جمعی که به تهیه دو جزوه درسی با عنوان «محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های رسانه‌ای» و «مبانی نظری حقوق ارتباط جمعی» منجر شد به همراه تشویق‌های برخی دوستان، سبب شد کتاب حاضر را تألیف کنم.

البته، با توجه به حجم عظیم مسائل و مباحث حقوق ارتباطات جمعی، این کتاب را می‌توان مقدمه‌ای دانست که برای معرفی مباحث و مسائل مختلف حقوق ارتباط جمعی نگارش یافته است و هر یک از مباحث این کتاب، به نوبه خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقل قرار گیرد.

در این کتاب تلاش شده است صرف نظر از حقوق کشور خاص و نیز صرف نظر از رسانه خاص، به مطالعه قواعد عمومی حقوق ارتباط جمعی اقدام شود. با وجود این، توجه به حقوق ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. هر جا ضرورت داشته، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین و رویه‌های حقوقی کشورهای مختلف به صورت مطالعه تطبیقی مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده است تا آنجا که ممکن است شاهد مثال‌های لازم برای فهم مباحث ارائه شود.

کتاب در چهار بخش کلی تدوین شده است: در بخش نخست، مبانی نظری حقوق ارتباط جمعی مشتمل بر آزادی بیان، آزادی اطلاعات، استقلال رسانه‌ای، تکثیرگرایی رسانه‌ای و شیوه‌های تنظیم فعالیت‌های رسانه‌ای مطالعه شده است. بدون توجه کافی به مطالب این بخش از کتاب، فهم و تحلیل سایر بخش‌ها دشوار خواهد بود زیرا، مباحث مطرح در بخش‌های دیگر، ارتباط نزدیکی با مباحث بخش اول دارند.

در بخش دوم، قواعد و مقررات ناظر بر راه‌اندازی انواع مؤسسات رسانه‌ای و فعالیت در آنها بررسی شده است. در این بخش، تلاش شده است تا حقوق و وظایف هر یک از عوامل رسانه‌ای نیز تبیین شود.

بخش سوم مهم‌ترین بخش این کتاب است که در آن تلاش شده است تا بین منافع مختلف و به ظاهر متعارض سازش ایجاد شود و به دیگر سخن، مرز بین فعالیت‌های مجاز رسانه‌ای و فعالیت‌های موجد مسئولیت ترسیم شود. امنیت ملی، اطلاعات طبقه‌بندی شده، حریم خصوصی، مالکیت‌های فکری، حرمت و حیثیت افراد، تبلیغات گمراه‌کننده و اخلال در رسیدگی‌های قضایی از مهم‌ترین حدود فعالیت‌های رسانه‌ای هستند که در این بخش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

سرانجام، در بخش پایانی کتاب، مسئولیت‌های مدنی و کیفری ناشی از نقض محدودیت‌های مقرر در بخش سوم، مفهوم این مسئولیت‌ها و شرایط تحقق آنها، نحوه رسیدگی دادگاه‌ها به هر یک از دعاوی مدنی و کیفری و سرانجام آثار هر یک از مسئولیت‌های مذکور مورد مطالعه قرار گرفته است.

در پایان از آقای دکتر کاظم معتمدنژاد که بدون حمایت‌ها و تشویق‌های بی‌شائبه ایشان انجام این مهم میسر نمی‌شد سپاس‌گزاری می‌کنم.